

دوتا ۳۳۶	تعلیم / ۸۴
	مَثَل‌های عیسی مسیح : پزشک و بیمار، نور و نمک
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه درس‌ها، فرصت خواهید یافت تا مَثَل‌های عیسی مسیح را درک نموده، آنها را تعلیم دهید. با استفاده از " راهنمای تفسیر مَثَل‌ها"، دو معلم، مَثَل "پزشک و بیمار" در متی ۹: ۱۳-۹ و مَثَل "نور و نمک" در متی ۵: ۱۳-۱۵ را بررسی خواهند نمود. به یاد داشته باشید که این مَثَل‌ها در چارچوب مَثَل‌های مربوط به ملکوت خدا بیان شده است.

(S) ابتدا مَثَل "پزشک و بیمار" را مطالعه خواهیم کرد. لطفاً متی ۹: ۱۳-۹، مرقس ۲: ۱۳-۱۷ و لوقا ۵: ۲۷-۳۲ را بعداً خودتان به تنهایی یا در گروه به نوبت چند آیه را بخوانید. متی ۹: ۱۲ می‌فرماید، "افراد سالم احتیاج به پزشک ندارند، بلکه بیماران به پزشک نیاز دارند."

(T) نکته ۱. درک داستان طبیعی مَثَل

چه عناصری در داستان مطابق واقعیات زندگی روزمره‌اند؟ این مَثَل به شکل بیانیه مطرح شده است. پزشک افراد بیمار را ملاقات می‌نماید تا آنان را مداوا کند. معمولاً افراد سالم نزد پزشک نمی‌روند.

(S) نکته ۲. بررسی چارچوب آتی و تعیین عناصر مَثَل

چارچوب این مَثَل چیست؟

"زمینه" مَثَل در متی ۹: ۱۱-۹ یافت می‌شود. بر اساس مرقس ۲: ۱۳، باجگیری بنام لایوی یا متی صاحب غرفه یا دفتر کمرگی در مجاورت بندر کفرناحوم بود. کار او جمع‌آوری مالیات مربوط به کالاهایی بود که از بزرگراه بین‌المللی میان سوریه و مصر عبور داده می‌شد. وی در کفرناحوم زندگی می‌کرد، یعنی همانجایی که عیسی به عنوان مقرر خود برگزیده بود. پیش از این واقعه، او احتمال دارد با عیسی مسیح تماس‌های متعددی داشته و قبلاً دل خود را به عیسی و جنبش او تسلیم کرده باشد. وقتی که عیسی وی را دعوت کرد تا به عنوان شاگردش از او پیروی کند، ارتباطش را با حرفه پیشین خود کاملاً قطع کرد و به دنبال عیسی به راه افتاد.

لوقا می‌نویسد که متی در خانه خود ضیافت مفصلی برای عیسی بر پا کرد. جمع کثیری از باجگیران و گناهکاران آمدند تا با عیسی و شاگردانش غذا بخورند. باجگیران توجه چندانی به قوانین و مقرراتی که فریسیان و علمای مذهبی بر شریعت خدا افزوده بودند، نداشتند. بعلاوه، باجگیران و دوستانشان نسبت به شریعت خدا بی‌اعتنا بودند و حتی شدیداً آن را زیر پا می‌گذاشتند. اضافه بر این، آنها به ناراستی و طمع و خیانت به اسرائیل معروف بودند. یهودیان عموماً آنها را خیانتکار می‌خواندند و بخصوص فریسیان آنان را طرد کرده بودند.

فریسیان می‌دیدند که عیسی و شاگردانش با این باجگیران و گناهکاران غذا می‌خورند. احتمالاً هنگامی که ضیافت به آخر رسید و مردم در حال ترک کردن آنجا بودند، از عیسی در حضور شاگردانش انتقاد کردند. آنها تلخکامی خود را بر سر شاگردانش خالی کردند که چنان شخصی را به عنوان استاد خود برگزیده بودند. عیسی انتقاد فریسیان را شنیده و شرمساری شاگردان خود را به خاطر آن مشاهده کرده بود. بنابراین مَثَل پزشک و بیمار را برای ایشان تعریف کرد. "داستان" مَثَل در متی ۹: ۱۲ آمده است. "توضیح و کاربرد" مَثَل در متی ۹: ۱۳ است.

(T) نکته ۳. تعیین جزئیات مربوط و نامربوط در مَثَل

کدام جزئیات در این مَثَل ضروری یا مربوط است؟ عیسی هیچکدام از جزئیات را شرح نمی‌دهد. با اینحال، از حالت بیانیه‌ای مَثَل آشکار می‌شود که "شخص سالم، بیمار و پزشک" جزئیات مربوط هستند. معمولاً بیمار به امید دریافت شفا به پزشک مراجعه می‌کند، نه شخص سالم. اشخاص سالم معرف فریسیان، بیمار معرف باجگیران و گناهکاران، و پزشک معرف عیسی مسیح است.

(S) نکته ۴. تشخیص پیام اصلی مَثَل

مَثَل "پزشک و بیمار" در متی ۹: ۱۳-۹ در مورد شهادت دادن در ملکوت خدا تعلیم می‌دهد. پیام اصلی مَثَل از این قرار است. "در برخی زمانها و موقعیتها مشارکت با افراد مطرود مناسب و موجه است، بویژه اگر هدف رفع نیازهای آنان باشد."

شهادت دادن یکی از ویژگی‌های بنیادین ملکوت خداست. مردمان ملکوت خدا بیرون می‌روند و با انواع گروهها در جهان، صرف‌نظر از زمینه اجتماعی، موقعیت و رده اجتماعی آنان، ارتباط برقرار می‌کنند، تا شفا و نجات را برای ایشان به ارمغان برند.

(T) نکته ۵. خلاصه تعالیم اصلی مَثَل

بیباید به نوبت، تعالیم یا پیامهای اصلی مَثَل را خلاصه کنیم.

اول. "عیسی و شاگردانش با افراد مطرود مشارکت داشتند." عیسی با افرادی که آوازه چندان خوبی نداشتند مانند یک طیب ارتباط داشت، نه به عنوان شخصی شکمپرست، میگسار یا همدست در شرارت. او بدون آنکه ایداً به مرض بیمارانش آلوده شود، می‌بایست به آنان نزدیک شود تا مداوایشان کند. او به عنوان یک پزشک حقیقی وظیفه‌اش را انجام می‌داد.

(S) **دوم.** "فریسیان از افراد مطرود دوری می‌کردند." آنها خود را از نظر خدا عادل می‌دانستند. به عدالت خود اعتماد داشتند و سایر مردم را طرد می‌کردند (لوقا ۱۸: ۸؛ یوحنا ۷: ۴۹). از آنجایی که تماس با باجگیران و گناهکاران را نوعی نجس شدن مذهبی می‌پنداشتند، از آنان احتراز می‌کردند. عیسی رفتار فریسیان را براساس استدلال خود آنها محکوم کرد و روش خود را توجیه نمود. اگر فریسیان باجگیران و گناهکاران را تا آن اندازه بیمار می‌دانستند، چرا آنها را به معالجه آنان همت نمی‌گماشتند؟ عیسی به فریسیان گوشزد کرد که در انجام وظیفه خود اهمال کرده‌اند، و به این ترتیب انتقادشان را پاسخ داد. آنها به این افراد رانده شده هیچگونه شفقت یا مددی نشان ندادند.

(T) **سوم.** "خداوند خواهان محبت نسبت به افراد مطرود است." عیسی فریسیان را به چالش فرا می‌خواند تا بروند و معنای این کلام خدا را بیاموزند که می‌فرماید، "من از شما محبت می‌خواهم نه قربانی." عیسی این آیه را از هوشع ۶: ۶ نقل می‌کند. قوم اسرائیل در زمان هوشع نسبت به خدا بی‌وفا شدند، عهد خدا را شکستند، بر ضد عهد خدا طغیان کردند، نیکی را رد کردند، بدون رضایت یا تأیید خدا اقداماتی انجام دادند و به دست خود بتهایی ساختند (هوشع ۸: ۱-۴). آنها مردم را غارت کرده، به قتل رساندند و مرتکب فحشاء و نیرنگ شدند (هوشع ۶: ۹ تا ۷: ۲). در چنان شریطی ادامه تقدیم قربانی به انجام مراسم مذهبی بی‌روحي منتهی شد که از نظر خدا نفرت‌انگیز بود (هوشع ۸: ۱۳). هوشع می‌گوید که خداوند طالب رحمت است، یعنی محبت نسبت به همسایه و مشارکت صادقانه و وفادارانه با خدای کتاب مقدس. در متی ۹: ۱۳ تأکید بر مهربانی قرار دارد، که خداوند از مردم می‌خواهد آنها را باجگیران و گناهکاران نیز ابراز دارند.

(S) **چهارم.** "عیسی برای دعوت از عادلان نیامده، بلکه آمده تا گناهکاران را به توبه فراخواند." کلمات "به توبه" که در لوقا ۵: ۳۲ آمده، در کلمه "فراخواندن" مستتر است که در متی و مرقس آمده است. "فراخواندن" عبارت است از دعوت از گناهکاران برای پذیرفتن عیسی مسیح به عنوان منجی و خداوند خود. تا هنگامی که این فراخواندن توسط موعظه انجیل انجام می‌پذیرد، در تمام موارد موثر نیست (متی ۲۲: ۱۴)، اما وقتی که تبدیل گردد به عمل روح القدس در قلب انسان، همیشه موثر واقع می‌شود (۸: ۳۰).

این آیات روشن می‌سازد که دعوت به نجات شامل حال کسانی که خود را عادل می‌پندارند نمی‌شود، بلکه به مردمی می‌رسد که شدیداً محتاج نجاتند. عیسی مسیح آمد تا بیماران، گناهکاران، ولگردها، گدایان، افراد سربار، گرسنگان و تشنگان، محتاجان و مردم گمشده این جهان را بیابد و نجات دهد.

(T) اینک "مثل نمک جهان و نور عالم" را مطالعه می‌کنیم. "لطفاً متی ۵: ۱۳-۱۶ را نزد خودتان یا در گروه هر یک به نوبت چند آیه را بخوانید. متی ۵: ۱۳-۱۶ می‌فرماید، "شما نمک جهان هستید و به آن طعم می‌بخشید. اما اگر شما نیز طعم خود را از دست دهید، وضع جهان چه خواهد شد؟ در اینصورت شما را همچون نمکی بی‌مصرف دور انداخته، پایمال خواهند ساخت. شما نور جهان می‌باشید شما همچون شهری هستید که بر تپه‌ای بنا شده و در شب می‌درخشد و همه آنرا می‌بینند. چراغ را روشن نمی‌کنند تا آنرا زیر کاسه بگذارند، بلکه روی چراغدان، تا کسانی که در خانه هستند از نورش استفاده کنند. پس نور خود را پنهان مسازید، بلکه بگذارید نور شما بر مردم بتابد، تا کارهای نیک شما را دیده، پدر آسمانی‌تان را تمجید کنند."

(S) **نکته ۱. درک داستان طبیعی مثل**

بیاپید به نوبت عناصری در داستان را که مطابق با واقعیات زندگی روزمره‌اند توضیح دهیم.

اول. "نمک." نمک ویژگیهای متعددی دارد: سفیدی، تیزی، طعم و قدرت نگهدارندگی. در تصویرسازی این داستان، احتمالاً بر "خصلت گندزدایی و قدرت نگهدارندگی" آن تأکید شده است: نمک ماده‌ای است که مانع فساد شده یا آن را به تعویق می‌اندازد. اما خصلت طعم‌دهندگی آن را نباید از قلم انداخت (لاویان ۲: ۱۳؛ کولسیان ۴: ۶).

دوم. "نمکی که طعم خود را از دست داده است." نمکی که از باتلاق، مرداب یا صخره‌های نزدیک به دریای مرده بدست می‌آید می‌تواند به راحتی طعم ماندگی یا قلیایی به خود بگیرد، زیرا با سنگ گچ مخلوط است (حزقیال ۴۷: ۱۱). چنین نمکی که خصلت خود را از دست داده، عملاً به هیچ کاری نمی‌آید. مردم آنرا دور می‌ریزند و پایمال می‌شود.

(T) **سوم.** "نور." نور نیز ویژگیهای زیادی دارد: روشنایی، قاب رؤیت‌سازی، رنگ، و قدرت آشکارسازی. در تصویرسازی این داستان، بر مرئی سازی تأکید می‌شود: نور ماده‌ای است که چیزهای خوب را آشکار و تاریکی را برطرف می‌کند.

چهارم. "نور شهر روی تپه." نور شهری را که بر تپه قرار دارد نمی‌توان پنهان کرد. بر راحتی برای همه قابل رویت است.

پنجم. "نور چراغ روی چراغدان." در زمان عیسی چراغ عبارت بود از یک ظرف سفالین با یک دنباله لوله مانند و سوراخی برای فتیله. در بالای چراغ دو سوراخ وجود داشت؛ یکی برای افزودن روغن و دیگری برای هوا. چراغ روی تاقچه

نصب شده بر روی ستون مرکزی خانه تک اتاقه قرار داده می‌شود. این ستون، تیره ضربدری اصلی نگهدارنده سقف صاف را متحمل می‌شود. چراغ درون شکافی در دیوار یا بر روی نوعی پایه قرار داده می‌شود. نکته این است که در موقعیتی قرار می‌گرفت که بتواند در اتاق به همه نور برساند.

(S) نکته ۲. بررسی چارچوب آبی و تعیین عناصر مثل

چارچوب این مثل چیست؟

"زمینه" این مثل در متی ۵: ۱۱-۱۲ یافت می‌شود. عیسی "تاثیر جهان بر مسیحیان" را توضیح می‌دهد. مردمان بدکار در جهان اغلب مسیحیان را مورد بی‌احترامی و جفا قرار می‌دهند. حال در مثل نمک جهان و نور عالم، عیسی، دقیقاً بر عکس، "تاثیر مسیحیان بر جهان" را شرح می‌دهد. تاثیر ملکوت خدا بر جهان همانند عملکرد نمک و نور است. "داستانهای" این مثلها یا استعارات در متی ۵: ۱۳-۱۵ آمده است. "توضیح یا کاربرد" مثلها در خود تصویرسازی یا در متی ۵: ۱۶ یافت می‌شود.

(T) نکته ۳. تعیین جزئیات مربوط و نامربوط در مثل

کدام جزئیات در این مثل ضروری یا مربوط هستند؟ عیسی خود مردمان ملکوت خدا را با نمک و نور قیاس کرد. بنابراین نمک و نور هر دو جزئیات ضروری هستند. نور شهر روی تپه یا نور چراغ روی چراغان را نمی‌توان پنهان کرد. این دو تصویر مقایسه اصلی بین مسیحیان و نور را تقویت می‌کنند.

(S) نکته ۴. تشخیص پیام اصلی مثل

مثل پزشک و بیمار در متی ۹: ۹-۱۳ در باره "شهادت دادن در ملکوت خدا" تعلیم می‌دهد. مثل نمک جهان و مثل نور عالم در متی ۵: ۱۴-۱۶ درباره شهادت دادن در ملکوت خداست. پیام اصلی مثلها این است، "تاثیر مردمان ملکوت خدا در حالت منفی مبارزه با فساد اخلاقی و روحانی، و در حال مثبت انتشار پیام نجات با تمامی برکات آن است."

"شهادت دادن" یکی از ویژگیهای بنیادین ملکوت خداست. مردمان ملکوت خدا از یک سو بی‌فکری و مذهب‌ستیزی جهانی را متوقف کرده یا به تاخیر می‌اندازند، و از سوی دیگر با انزوا یا گوشه‌گیری از جهان مخالفت می‌کنند. آنان با افراط بسیاری از انسانهای مدرن، که به وجود خدا اعتقاد ندارند و فقط می‌خواهند در دنیا و مادیگرایی ولذت‌های آن غرق باشند، مبارزه می‌کنند (اول قرن نهم تا ۱۵: ۳۲). با افراط معکوس افرادی که نمی‌خواهند واقعیت خلقت را بپذیرند و مایلند تنها سرگرم مذهبی باشند که تاثیری بر این جهان ندارد، نیز می‌ستیزند.

(T) نکته ۵. خلاصه تعالیم اصلی مثل

تعلیم اول. "مردمان ملکوت خدا نمک هستند." مردمان ملکوت خدا، یعنی مسیحیان بپریا دارای خصلت مبارزه با فساد اخلاقی و روحانی در جهان هستند. نمک عملکرد اسرارآمیزی دارد. با وجود آنکه می‌دانیم از فساد جلوگیری می‌کند، اما قادر نیستیم ببینیم چطور کار خود را انجام می‌دهد. حضور مسیحیان در میان غیر مسیحیان غالباً آنها را از گفتن جوکهای نامناسب، سخنان کفرآمیز، انجام اعمال بد، رشوه خواری، فساد، تخریب، جنایت، استفاده از مواد مخدر و غیره باز می‌دارد. جهان، پلید است، اما فقط خدا می‌داند که جهان بدون سر مشق مهارکننده، زندگی و دعای مسیحیان، چقدر عمیقتر در تباهی فرو خواهد رفت (پیدایش ۱۸: ۲۰-۳۲).

تعلیم دوم. "بر سر آن دسته از مردمان ملکوت خدا که خصلت نمکین خود را از دست داده‌اند چه خواهد آمد." فریسیان و علمای دین مذهب رسمی، تبصره‌های خود را بر شریعت جایگزین مذهب واقعی کردند که توسط پیامبران عهد عتیق اعلام شده بود. نتیجه این بود که در زندگی مذهبی اسرائیل نمک طعم خود را از دست داد و بسیاری از یهودیان به عنوان پسران پادشاه از ملکوت خدا اخراج شدند (متی ۸: ۱۲). به همین ترتیب، وقتی افرادی که با معرفت حقیقت در کتاب مقدس تعلیم دیده‌اند، عمداً در مقابل نصایح روح القدس بایستند و بر مخالفت خود پافشاری کنند، دیگر نخواهند توانست با توبه احیاء شوند (متی ۱۲: ۳۲؛ عبرانیان ۶: ۴-۶).

تعلیم سوم. "مردمان ملکوت خدا نور و چراغ هستند." به شهروندان ملکوت تنها نور، یعنی همه برکات نجات عطا نشده، بلکه ابزارهایی نیز هستند که خدا از آنها بهره می‌گیرد تا چنین برکات نجاتی را به مردم دور و برشان در این جهان انتقال دهد. نقش مسیحیان راستین در این جهان همانند نقش چراغ در خانه است. مسیحیان سبب می‌شوند نور نجات مسیح با تمامی برکات آن بر این جهان بتابد، تا همه مردم آنرا ببینند و خداوند را تجلیل کنند. آنان بخاطر نجاتی که در اثر فیض از طریق ایمان دریافت کرده‌اند اعمال نیکویی از سر شکرگزاری بجا می‌آورند.

مسیحیان باید مالک و انتقال دهنده نور باشند. (فیلیپیان ۲: ۱۵). با وجود این، آنان هرگز در خود و در اثر کارهای خود، نور نیستند. مسیح نور واقعی جهان است (یوحنا ۸: ۱۲) و مسیحیان فقط زمانی نور عالم هستند که در او بمانند و نور او را منعکس کنند. عیسی مسیح مانند خورشید است و مسیحیان همانند ماه که فقط نور آفتاب را انعکاس می‌دهد. جدای از عیسی مسیح مسیحیان قادر به درخشش نیستند (یوحنا ۱۵: ۵). بنابراین کار کلیسا این نیست که "نور خودش" را منعکس کند، یعنی، درباره تمامی موضوعات فلسفی، اقتصادی یا سیاسی دنیا اظهار نظر کند. کار کلیسا، انتشار "نور عیسی مسیح" است، یعنی اعلام پیام نجات و زیستن مطابق با پیام عیسی مسیح در این دنیای تاریک.

(T) نکته ۶ . خلاصه تعالیم اصلی مثل‌ها

بیاپید به نوبت، تعالیم یا پیامهای اصلی این مثل‌های مربوط به شهادت دادن در ملکوت خود را خلاصه کنیم.
اول. "همه مردم، بویژه گمشدگان، باید بدانند خدا یا عیسی مسیح چگونه خدایی است": عیسی مسیح آمد تا گمشده یعنی، بیماران، گناهکاران، ولگردها، گدایان، افراد سربار، گرسنگان و تشنگان، را بجوید و نجات دهد. او با مطرودان، محرومان و آزاردیدگان جهان ارتباط برقرار کرد تا نیازشان به شفا و بخصوص نجات را برطرف کند.

(S) **دوم.** "مسیحیان لازم است بدانند که باید چگونه باشند". خداوند از مسیحیان می‌خواهد که بر جهان تاثیر گذارند. مسیحیان در گفتار و کردار، شاهدان مسیح هستند. مانند عیسی مسیح، ما مسیحیان باید با مطرودان، محرومان و آزاردیدگان جهان ارتباط برقرار کنیم تا نیازشان به شفا و بخصوص نجات را برآورده سازیم. مسیحیان نباید خود را از جامعه کنار بکشند، بلکه باید بر مردم اطراف خود اثر گذارند. از یک طرف باید با فساد اخلاقی و روحانی مبارزه کنند و از طرف دیگر باید از طریق کلام و عمل پیام نجات را به همراه تمامی برکات آن انتشار دهند. مسیحیان مسئولند با کلام و عملی که از عیسی مسیح آموخته‌اند نجات را به دیگران برسانند.

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول. برای یک فرد یا یک گروه این مثل را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی نمایید. هفته آینده مثل "بنای عجول و پادشاه بی‌ملاحظه" را بررسی خواهیم کرد. برای آمادگی، لوقا ۱۴: ۲۵-۳۵ را مطالعه کنید.
دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم
سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.